

بررسی مفهوم بحران امنیتی با تأکید بر آموزه‌های مکتب کپنهاگ

علی پورخزایی^۱

چکیده

پژوهش حاضر از نظر ماهیت توصیفی تحلیلی به روش کتابخانه‌ای به بررسی مفهوم بحران امنیتی با تأکید بر آموزه‌های مکتب کپنهاگ می‌پردازد. با توجه به اینکه مطالعات سنتی امنیت بر محور نظامی به عنوان تنها گزینه در ابعاد امنیت متمرکز بود و تمرکز بر بعد نظامی امنیت تأثیر عمیقی بر نظامی محور شدن مطالعات امنیتی گذاشته بود، به طوری که مطالعات امنیتی عمدتاً به مطالعه جنگ، آن هم در حوزه مطالعات استراتژیک تبدیل شده بود. این وضع تا اواخر دهه ۱۹۷۰ رویکرد مسلط در مطالعات استراتژیک و امنیتی بود؛ اما از اوایل دهه ۱۹۸۰ این رویکرد مورد چالش قرار گرفت. این نقدها ابتدا توسط ریچارد «ولمان» و سپس «هافندورن» و در ادامه توسط «دیوید بالدوین» صورت گرفت و «بوزان» به عنوان یک نو واقع‌گرا به شکل بسیار مبسوط‌تر و مستدل‌تر، امنیت مضیق را زیر سؤال برد. مکتب کپنهاگ برای بیان تهدیدات وجودی در گستره امنیت، ابتدا امنیت اجتماعات بشری را به پنج بعد نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی تقسیم می‌نماید. سپس تهدیدات وجودی هر یک از پنج بعد را بیان می‌دارد و به تبیین مراجع و موضوعات هر یک از ابعاد مدنظر می‌پردازد به نظر می‌رسد مفهوم‌شناسی بحران امنیتی مبتنی بر مکاتب امنیتی، می‌تواند در این رابطه راهگشا باشد. برای این منظور ابتدا به موضوع بحران پرداخته شده است و سپس به مکتب کپنهاگ به عنوان چهارچوبی برای تبیین مفهوم امنیت اشاره گردیده است.

واژگان کلیدی

بحران، بحران امنیتی، مکتب کپنهاگ

۱. مربی ارشد دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع)، دانشکده امنیت تهران، ایران:

Ali.porkhazaei@gmail.com



اغلب افراد از واژه بحران، تصویری از شرایط دشوار، آشفتگی، به هم ریختگی و ... در ذهن دارند، این موضوع باعث شده است که مردم یا مسئولان برای بیان شرایط سخت و دشوار در زمینه موضوعات مختلف، از جمع واژه بحران با سایر مفاهیم استفاده نمایند. واژه‌هایی چون بحران بیکاری، بحران مالی، بحران آب و مانند آن ناظر بر چنین حالت‌هایی است. از طرفی، یکی از دغدغه‌های جوامع، سازمان‌ها، افراد و... پرهیز از قرار گرفتن در شرایط بحرانی است.

برای اینکه بین ذهنیت‌ها و واقعیت‌ها پلی زده بشود، نیازمند تعریف شرایط بحرانی در زمینه‌های مختلف هستیم چراکه حتی صرف استفاده واژه بحران در برخی از مواضع و مواقع می‌تواند پیامدهای ناگواری را به همراه داشته باشد. اگر در یک جامعه قطع چندساعته برق در یک منطقه از یک شهر را بحران تلقی کنیم، اثر چنین تفکری می‌تواند باعث ایجاد ناامنی در ذهن مخاطبان شود.

سؤالی که در اینجا پیش می‌آید این است که بحران چیست؟ بحران در تعامل با سایر مفاهیم چگونه معنا می‌شود؟ آیا وقوع یک حادثه ناگوار در سطح محلی، ملی و منطقه‌ای را می‌توان بحران تلقی کرد؟ چه شاخص‌هایی برای تبدیل یک وضعیت به بحران باید مورد توجه قرار گیرد؟ پاسخ به سؤالات فوق می‌تواند برای تبیین انواع بحران‌ها راهگشا باشد.

یکی از مفاهیمی که وجود نداشتنش می‌تواند باعث بروز احساس بحرانی بودن اوضاع شود، مفهوم امنیت است. امنیت، جایگاه بالایی در هرم نیازهای بشری داشته و از طرفی ماهیتی بین ذهنی دارد، از این رو فقدان و یا لطمه خوردن آن می‌تواند به سرعت از طریق افراد، سازمان‌ها و جوامع احساس شود؛ اما آیا به هم خوردن هر سطحی از امنیت را می‌توان بحران امنیتی دانست؟ اصولاً به دلیل ماهیت مفهوم و موضوعات امنیتی، بحران امنیتی نیز با نوعی ابهام در تعریف و مصداق روبرو است. در این تحقیق تلاش شده است با استفاده از آموزه‌های مکتب کپنهاگ نگاهی هستی‌شناسانه به مفهوم امنیت داشته باشیم. اینکه مفهوم بحران امنیتی چیست و چه ابعادی برای آن متصور است.





بیان مسئله

در نگاه اول به مفهوم «بحران امنیتی»، به نظر می‌رسد که معنای آن برای همگان قابل فهم است، اما وقتی افراد وارد مصادیق عینی می‌شوند با انبوهی از ابهامات روبرو خواهند شد. این حالت به دلیل وجود دیدگاه‌های متفاوت به امنیت به وجود می‌آید. به عبارتی دیگر با توجه به اینکه برای مفهوم امنیت جنبه‌های سلبی و ایجابی و ابعاد سیاسی، اقتصادی، سیاسی و ... متصور است. تعریف بحران امنیتی نیز به همان مقدار با ابهامات جدی روبرو است.

با بررسی پیشینه‌های موجود در رابطه با تحقیقات انجام شده در مورد بحران امنیتی، مشاهده می‌شود که اغلب آن‌ها مفهوم بحران امنیتی را به عنوان یک مفروض فرض کرده‌اند و بیشتر به بیان رابطه سایر موضوعات با بحران امنیتی پرداخته‌اند. حال آنکه خود مفهوم بحران امنیتی اساساً با ابهامات جدی روبرو است. از این رو مسئله این تحقیق هستی‌شناسی مفهوم بحران امنیتی است.

به نظر می‌رسد مفهوم‌شناسی بحران امنیتی مبتنی بر مکاتب امنیتی، می‌تواند در این رابطه راهگشا باشد. برای این منظور ابتدا به موضوع بحران پرداخته شده است و سپس به مکتب کپنهاگ به عنوان چهارچوبی برای تبیین مفهوم امنیت اشاره گردیده است. در نهایت با ترکیب مفاهیم و ویژگی‌های مطرح شده برای هر یک از کلیدواژه‌های بحران و امنیت، مفهوم بحران امنیتی واکاوی شده است. توجه به مفهوم بحران امنیتی به این شکل اولاً روشی علمی را در اختیار می‌گذارد و در ثانی بررسی این مفهوم را در بستری از گفتمان مکتب کپنهاگ با عنوان مکتب امنیتی جاری می‌نماید.

اهمیت و ضرورت تحقیق

اهمیت موضوع امنیت برای تمامی انسان‌ها مشخص است و این موضوع برای این است که مخاطبین را با مکتب کپنهاگ که برخلاف دیدگاه مضیق به امنیت که به امنیت نظامی تأکید دارد. دیدگاهی موسع به امنیت دارد، از همین رو، بر سایر ابعاد امنیت یعنی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی نیز آشنا می‌نماید.



اهداف تحقیق

واکاوی مفهوم بحران امنیتی با استفاده از آموزه‌های مکتب کپنهاگ

واکاوی ادبیات تحقیق

برای بررسی و تحلیل مطالب در قالب موضوع امنیت و ابعاد مختلف آن، رهیافت‌ها و مکاتب مختلفی از جمله مطالعات امنیتی رئالیستی، لیبرالیستی، سازه‌انگاران، فرا ساختارگرایان، انتقادی و ... وجود دارد که محققان می‌توانند مسائل را در چارچوب آن‌ها مورد بررسی قرار دهند. در این تحقیق بحران امنیتی در چارچوب مکتب کپنهاگ بررسی خواهد شد.

«مکتب کپنهاگ»^۱ تنها رهیافتی است که صرفاً مبتنی بر مطالعات امنیتی می‌باشد و همچنین جزو اولین رهیافت‌هایی است که در راستای پایه‌گذاری جایگاهی مستقل برای مطالعات امنیتی تلاش نموده است.

مکتب کپنهاگ اصطلاحی است که بیل مک سوئینی^۲ برای آثار و نقطه نظرات باری بوزان،^۳ ال ویور،^۴ دو ویلد^۵ و برخی دیگر به کار برده است. (عبداله خانی، ۱۳۸۳: ۳۴)

مؤسسه تحقیقات صلح کپنهاگ (COPRI)^۶ که مکتب کپنهاگ یکی از شاخه‌های فکری آن به شماره می‌آید، توسط پارلمان دانمارک و در سال ۱۹۸۵ تأسیس گردید. مأموریت اولیه این مؤسسه، تحقیق و پژوهش در زمینه ریشه‌های جنگ و شیوه‌های برقراری صلح در جامعه بشری با تمرکز بر مسائل اروپا بود؛ اما با بسط حوزه پژوهشی این مؤسسه رفته‌رفته موضوعات کاری و گستره پژوهش‌های آن نیز گسترش یافت. مؤسسه تحقیقات صلح کپنهاگ ابتدا یک مؤسسه غیردولتی (NGO) بود که بودجه پژوهشی خود را با استفاده از اعانه بنیادهای خیریه و فروش محصولات پژوهشی تأمین می‌کرد، اما از سال ۱۹۹۶، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری دانمارک نسبت به تأمین بودجه آن اقدام و

1. Copenhagen School

2. Bill Mc Sweeney

3. Barry Buzan

4. Ole waever

5. De Wild

6. Copenhagen Peace Research Institute





در مقابل، برخی پروژه‌های تحقیقاتی را به پژوهشگران آن مؤسسه واگذار نمود. در یازدهم ژوئن سال ۲۰۰۱، پادشاه دانمارک - به واسطه نتایج درخشان مطالعاتی این مؤسسه - فرمان الحاق این مؤسسه به وزارت امور خارجه را صادر نمود. همان‌گونه که گفته شد، مؤسسه تحقیقات صلح دانمارک فعالیت خود را در زمینه مسائلی چون امنیت بین‌المللی، بحران‌های منطقه‌ای، مسئله هویت، مهاجرت، پناهندگی، امنیت جامعه‌ای و مطالعات موردی (بالکان، چین، فلسطین و ...) شروع کرد و برای مدت دو دهه، کارهای مهمی در باب خاستگاه غیرنظامی امنیت ملی و بین‌المللی منتشر ساخت. برخی محققان، اندیشه‌های ارائه‌شده از سوی اعضای مؤسسه تحقیقات صلح کپنهاگ را دسته‌بندی و عنوان «مکتب کپنهاگ» به آن داده‌اند. (نصری، ۱۳۹۰: ۱۳۱)

نظریه‌پردازان این مکتب کتاب‌ها و مقالات بسیاری را برای تشریح دیدگاه‌ها و نقطه نظرات خویش تدوین نموده‌اند که کتاب «مردم، دولت‌ها و هراس»^۱، «امنیت چارچوبی جدید برای تحلیل»^۲، «امنیت ساختن و ناامنی»^۳ از جمله مهم‌ترین این موارد است. در همین خصوص کن بوث،^۴ کتاب مردم، دولت‌ها و هراس اثر بوزان را به‌عنوان جامع‌ترین تحلیل نظری در مورد مفهوم امنیت در ادبیات روابط بین‌المللی می‌داند.

بر اساس دیدگاه مکتب کپنهاگ، امنیت به بقا^۵ بازمی‌گردد. مطابق این برداشت، زمانی امری به یک موضوع امنیتی مبدل می‌شود که همچون تهدیدی اساسی (وجودی) برای یک موجود جلوه کند. مفهوم تهدید وجودی،^۶ ناظر بر تهدیداتی است که موجودیت موضوع موردنظر را به مخاطره می‌اندازد و آن را با خطر اضمحلال و یا آسیب جدی روبرو می‌سازد. (عبداله خانی، ۱۳۸۳: ۱۴۳) سرشت خاص تهدیدات امنیتی، توسل به تدابیر فوق‌العاده را برای مهار آن‌ها موجه می‌سازد. استناد به امنیت، کلید مشروعیت بخشیدن به کاربرد زور است. (بوزان؛ ویور؛ دووید، ۱۳۸۶: ۴۶)

1. People, States and Fear
2. Security: Anew Framework for Analysis
3. Securitization and De Securitization
4. Ken Booth
5. Survival
6. Existential Threat



ابعاد مختلف امنیت از دیدگاه مکتب کپنهاگ

مطالعات سنتی امنیت بر محور نظامی به عنوان تنها گزینه در ابعاد امنیت متمرکز بود و تمرکز بر بعد نظامی امنیت تأثیر عمیقی بر نظامی محور شدن مطالعات امنیتی گذاشته بود، به طوری که مطالعات امنیتی عمدتاً به مطالعه جنگ، آن هم در حوزه مطالعات استراتژیک تبدیل شده بود. این وضع تا اواخر دهه ۱۹۷۰ رویکرد مسلط در مطالعات استراتژیک و امنیتی بود؛ اما از اوایل دهه ۱۹۸۰ این رویکرد مورد چالش قرار گرفت. این نقدها ابتدا توسط ریچارد «لولمان» و سپس «هافندورن» و در ادامه توسط «دیوید بالدوین» صورت گرفت و «بوزان» به عنوان یک نو واقع گرا به شکل بسیار مبسوط تر و مستدل تر، امنیت مضیق را زیر سؤال برد. مکتب کپنهاگ برای بیان تهدیدات وجودی در گستره امنیت، ابتدا امنیت اجتماعات بشری را به پنج بعد نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی تقسیم می نماید. سپس تهدیدات وجودی هر یک از پنج بعد را بیان می دارد و به تبیین مراجع و موضوعات هر یک از ابعاد مدنظر می پردازد. (بوزان، ۱۳۷۸: ۳۴)

امنیت نظامی^۱

امنیت نظامی به اثرات متقابل توانایی های تهاجمی و دفاعی مسلحانه دولت ها و نیز برداشت آن ها از مقاصد یکدیگر مربوط است. (بوزان، ۱۳۷۸: ۳۴) دلیل این امر گستردگی دامنه تأثیرگذاری تهدیدات نظامی است. تهدید نظامی همه اجزای دولت اعم از دستاوردهای فکری - فرهنگی و پیشرفت های فنی و اقتصادی را مورد هدف قرار می دهد. این تهدید ملموس ترین نوع تهدید است، چراکه اهداف گسترده ای را از تفسیر ساختار حکومت گرفته تا تاراج اموال مردم در برمی گیرد. (نصری، ۱۳۸۱: ۴۳) تهدیدات نظامی ممکن است موجب اختلال یا نابودی نهادها شده و تفکر مربوط به دولت را سرکوب، تخریب یا محو نمایند. تدابیر نظامی نه تنها به طور بنیادی بر کارکردهای حفاظتی دولت اثر دارد، بلکه منافع گوناگون اجتماعی و فرد را نیز که پایدارتر از روبناهای دولت هستند، مورد تهدید قرار می دهد. (بوزان، ۱۳۷۸: ۱۴۱)

در بخش نظامی، دولت هنوز مهم ترین - ولی نه تنها - موضوع امنیت است و نخبگان



حاکم دولت‌ها مهم‌ترین - ولی نه تنها - بازیگران امنیتی‌کننده مسائل هستند. چنین وضعی نه تنها از آن رو وجود دارد که دولت‌ها به‌طور کلی در مقایسه با سایر بازیگران، منابع نظامی به‌مراتب فزون‌تری را زیر فرمان خود دارند، بلکه دلیل دیگرش این است که نخبگان حاکم، به لحاظ حقوقی و سیاسی به‌عنوان مدعیان اصلی حق مشروع کاربرد زور چه در داخل و چه در خارج از قلمرو فرمانروایی خودسر برآورده‌اند. در عمل، دستور کار امنیت نظامی عمده‌تاً حول توانایی حکومت‌ها برای حفاظت از خودشان در برابر تهدیدهای نظامی داخلی و خارجی دور می‌زند. (بوزان؛ ویور؛ دووید، ۱۳۸۶: ۸۷-۸۶)

امنیت سیاسی^۱

امنیت سیاسی ناظر بر ثبات سازمانی نظم‌های اجتماعی است. گوهر بخش سیاسی را تهدیدهای مطرح برای حاکمیت دولت تشکیل می‌دهد. مشکل بخش سیاسی این است که به طرز ظاهراً تناقض‌آمیزی هم وسیع‌ترین بخش است و هم به همین دلیل هر آنچه جایی در دیگر بخش‌ها نداشته باشد، در این بخش جای می‌گیرد. از جهتی، امنیت کلاً امری سیاسی است. همه تهدیدها و هرگونه دفاع در برابر آن‌ها به شیوه سیاسی ساخته و پرداخته و تعریف می‌شوند، سیاسی کردن مسائل طبق تعریف کاری سیاسی است و اگر همین منطق را تعمیم دهیم، امنیتی کردن مسائل هم کنش سیاسی است. بر این اساس، امنیت اجتماعی، اقتصادی، زیست‌محیطی و نظامی از جهتی درواقع به معنی «امنیت سیاسی - اجتماعی»، «امنیت سیاسی - اقتصادی» و ... است. وقتی تهدیدی سیاسی برای ثبات سازمانی یک دولت به‌صورت تهدیدی برای جامعه (هویت) آن مطرح شود، به‌عنوان تهدید اجتماعی طبقه‌بندی می‌گردد. معمولاً ویژگی‌های امنیت سیاسی همان ویژگی‌های کلی امنیت خواهد بود که در آن خود تهدیدها عمده‌تاً سیمایی سیاسی دارد و همین مایه انسجام این بخش می‌شود. به باور بوزان تهدیدهای سیاسی، ثبات سازمانی دولت را هدف گرفته‌اند. منظور از این تهدیدها می‌تواند گوناگون باشد و از تحت‌فشار گذاشتن حکومت در زمینه سیاسی خاص تا براندازی حکومت، دامن زدن به جدایی‌طلبی و ازهم‌گسیخته کردن کالبد سیاسی دولت به‌قصد تضعیف آن پیش از حمله نظامی را در برگیرد.



تهدیدهای سیاسی نوعاً به اعطا یا دریغ داشتن شناسایی، پشتیبانی یا مشروعیت بازمی‌گردند. بوزان سیاست را «شکل دادن به رفتار بشر به قصد حکم راندن بر گروه‌های بزرگی از افراد» می‌داند. (بوزان؛ ویور؛ دووید، ۱۳۸۶: ۲۱۷-۲۱۶) امنیت سیاسی ناظر بر ثبات سازمانی دولت‌ها، سیستم‌های حکومتی و ایدئولوژی‌هایی است که به آن‌ها مشروعیت می‌بخشد. (بوزان، ۱۳۷۸: ۳۴)

اندیشه قوام‌بخش دولت، مبنای فیزیکی آن و نهادهایش است. اگر مسائلی را که در دیگر بخش‌ها مطرح می‌شوند کنار بگذاریم (بیشتر تهدیدهایی که مستقیماً بنیان فیزیکی دولت را هدف می‌گیرند، لزوماً نظامی، اقتصادی یا زیست‌محیطی هستند) تنها اندیشه‌ها (منهای اندیشه‌های هویتی مستقل از نهادها) و نهادها باقی می‌ماند. درواقع مسئله تنها به اندیشه‌هایی بازمی‌گردد که شالوده نهادهای سیاسی را تشکیل می‌دهند. اندیشه‌های قوام‌بخش یک دولت نوعاً ملت‌گرایی (به‌ویژه ملت‌گرایی مدنی ولی گاه نیز ملت‌گرایی قومی) و ایدئولوژی سیاسی است. با تهدید این اندیشه‌ها می‌توان ثبات نظم سیاسی را در معرض تهدید قرارداد. این‌گونه تهدیدها ممکن است متوجه ساختار موجود حکومت (با زیر سؤال بردن ایدئولوژی مشروعیت بخش آن، احساس تبعیض و عدم برقراری عدالت در مناصب، مشارکت و...) یا موجودیت خود دولت (با تردید کردن در حق دولت برای خودمختاری) باشد. تهدیدهای سیاسی یا به‌صورت از بین بردن مشروعیت مطرح می‌شوند یا به‌صورت عدم شناسایی (عدم شناسایی کلی دولت یا عدم شناسایی حاکمیت دولت). در مورد دولت‌ها بیشتر این تهدیدها یک کانون اصلی دارد: حاکمیت. هر آنچه را که بتوان به‌صورت نقض حاکمیت (مداخله) جلوه داد، می‌توان به‌عنوان مسئله‌ای امنیتی مطرح کرد. (بوزان؛ ویور؛ دووید، ۱۳۸۶: ۲۲۹-۲۲۸) ازاین‌رو احتمال حرکت به سمت درگیری‌های درون جامعه‌ای برای حکومت‌های تشکیل‌شده از چند قوم بیشتر است. (Saleh, 2010:23)

امنیت اقتصادی^۱

پیروان مکتب سوداگری^۱ و سوداگری نو^۲ با اولویت قائل شدن برای سیاست، دولت را



هم تجلی اهداف اجتماعی و سیاسی‌ای که ثروت باید در خدمت آن‌ها باشد و هم برقرارکننده امنیتی می‌دانند که بر فعالیت شرکت‌ها و بازارها ضروری است. از این منظر امنیت اقتصادی صرفاً بخشی از اولویت گسترده‌تری است که برای دولت یا امنیت ملی قائلیم و موفقیت اقتصادی هم معمولاً نوعی بازی با حاصل جمع صفر انگاشته می‌شود. لیبرال‌ها با اولویت قائل شدن برای اقتصاد مدعی‌اند که باید اقتصاد را ریشه کالبد اجتماع دانست و بازار را به حال خود گذاشت که بدون دخالت دولت تا حد ممکن آزادانه کار خود را بکند. سوسیالیست‌ها به شکل نامناسبی در میان این دو نگرش موضع‌گیری می‌کنند و هم اقتصاد را ریشه تمام کالبد اجتماع می‌دانند و هم می‌گویند دولت‌ها تا جایی که می‌توانند خود را از این منطق خلاص کنند، باید اقتصاد را به سمت دو هدف اجتماعی و سیاسی عدالت و برابری ببرند. به نظر سوسیالیست‌ها باید امنیت کسانی که گرفتار ضعف اقتصادی هستند به زیان قدرتمندان اقتصادی تضمین گردد. سه دیدگاه بالا نمایانگر مواضع ایدئولوژیک ناهمسازی هستند که برای امنیت اقتصادی منطق‌ها و اولویت‌های متفاوتی قائلند. (بوزان؛ ویور؛ دوویل، ۱۳۸۶: ۱۵۳-۱۵۲) اما از دیدگاه مکتب کپنهاگ امنیت اقتصادی یعنی دسترسی به منابع مالی و بازارهای لازم برای حفظ سطوح قابل قبول از رفاه و قدرت دولت. (بوزان، ۱۳۷۸: ۳۴)

امنیت اجتماعی^۲

یکی از دشواری‌های بحث درباره معنای امنیت اجتماعی مرزهای نامعلوم آن با مفاهیم مشابهی چون: امنیت جمعی،^۴ تأمین اجتماعی،^۵ امنیت عمومی،^۶ امنیت ملی^۷ و امنیت انسانی^۸ است. (نصری، ۱۳۹۰: ۵۵)

1. Mercantilism

2. Neomercantilism

۳. برای عبارت Societal security ترجمه‌های مختلفی به زبان فارسی ارائه شده است، از جمله امنیت جامعه‌ای، امنیت جامعگی، امنیت جامعی و ... در این تحقیق عبارت فوق به امنیت اجتماعی ترجمه شده است.

4. Collective Security

5. Social Security

6. Public Security

7. National Security

8. Human Security



امنیت اجتماعی به معنای «اطمینان خاطر افراد و گروه‌های اجتماعی نسبت به تضمین سلامت و هویت خود در قبال مجموعه تحرکات عمدی و تحولات عادی» است. (نصری، ۱۳۹۰: ۷۶) ناامنی اجتماعی زمانی به وجود می‌آید که جوامع دارای هر نوع هویتی، با تهدیدی برای بقای خود به‌عنوان یک جامعه روبرو باشند. (Waever, 2008:582)

امنیت اجتماعی با مفاهیم مشابه خود نسبت‌های مختلفی دارد. امنیت اجتماعی دورترین نسبت را با تأمین اجتماعی دارد. (نصری، ۱۳۹۰: ۷۶) امنیت اجتماعی همان تأمین اجتماعی^۱ نیست. تأمین اجتماعی ناظر بر افراد است و عمدتاً سرشتی اقتصادی دارد ولی امنیت اجتماعی ناظر بر جمع‌ها و هویت آن‌ها است؛ اما مفهوم امنیت اجتماعی نه به این سطح فردی و پدیده‌های عمدتاً اقتصادی، بلکه به سطح هویت‌های جمعی و اقدامات اتخاذشده برای دفاع از این گونه «هویت‌ها» ناظر است. (بوزان؛ ویور؛ دووید، ۱۳۸۶: ۱۸۵) متولی تأمین اجتماعی، دولت است، درحالی‌که تمام کوشش مبحث امنیت اجتماعی این است که سیطره دولت بر حیات گروهی شهروندان را به حداقل برساند و به جای اینکه دولت گروه‌ها را مهندسی و طراحی کند، گروه‌ها جهت‌بخش و الهام‌بخش دولت باشند. وجه مشترک این دو مفهوم تدارک اطمینان خاطر برای آسیب‌دیدگانی است که به‌واسطه زندگی اجتماعی، سلامت و نیروی خود را ازدست‌داده‌اند. (نصری، ۱۳۹۰: ۷۶) امنیت اجتماعی مؤثرترین و حیاتی‌ترین پیوند را با امنیت ملی یافته است. این پیوند در پاره‌ای وجوه قهری و در بعضی موارد اختیاری بوده است. در تعاریف موسع از امنیت ملی، به‌ویژه در استانداردهای امنیت ملی پایدار، امنیت ملی مدیون انسجام جامعه‌ای و انسجام جامعه‌ای محصول مملکت‌داری یا حکومت خوب^۲ است. (نصری، ۱۳۹۰: ۷۶)

امنیت اجتماعی به توانایی یک جامعه برای حفظ ماهیت اصلی خود در شرایط متغیر و در مواجهه با تهدیدات احتمالی یا واقعی مربوط می‌شود. به‌طور اخص، امنیت اجتماعی به تداوم - البته - در محدوده شرایط قابل‌قبول برای تحول - الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، مذهب و هویت ملی ارتباط دارد. این تعریف ارائه هرگونه تعریف عینی برای این که چه زمان برای امنیت اجتماعی تهدیدی به وجود می‌آید را دشوار می‌سازد.

1. social Security

2. Good Governance



امنیت اجتماعی ناظر به اوضاع و شرایطی است که جوامع به لحاظ هویتی تهدیدی را درک و مشاهده می‌نمایند. (اسنایدر، ۱۳۸۴: ۱۶۶)

در امنیت اجتماعی دولت را به‌عنوان یک دولت و یا یک‌نهاد ارضی نیست، بلکه به‌عنوان یک هویت جمعی محسوب می‌شود. از این دیدگاه، امنیت جامعه ممکن است در قبال هر چیزی که هویت ما را به خطر می‌اندازد، به خطر بیافتد. (Panic, 2009:31) بر اساس این دیدگاه تهدید نسبت به حکومت‌ها صرفاً خارجی نیست. عوامل اجتماعی و ساختار آن نقش مهمی در زمینه امنیت ملی دارد. از این رو اگر دولت نتواند به آشتی دادن رابطه بین خود و جامعه بپردازد، به احتمال زیاد کشمکش و رخ خواهد داد. (Saleh, 2010:236)

امنیت اجتماعی^۱ با امنیت سیاسی که ناظر بر ثبات سازمانی دولت‌ها، نظام حکمرانی و ایدئولوژی‌های مشروعیت بخش به حکومت‌ها و دولت‌ها است، ارتباط تنگاتنگی دارد ولی متمایز از آن است. مرزهای دولت و مرزهای اجتماعی تنها به‌ندرت بر هم منطبق است. این نخستین انگیزه را برای جدی گرفتن امنیت اجتماعی به دست می‌دهد. انگیزه دیگر این است که حتی در مورد «مردم واحد» هم دولت و جامعه دو چیز متفاوت هستند و هنگامی که موضوع امنیت قرار گیرند، دو منطق متفاوت دارند. جامعه از هویت، یعنی برداشتی که همبدها و افراد از خودشان دارند و آن‌ها را به‌عنوان اعضای یک جمع همبسته مشخص می‌سازد، قوام می‌گیرد. این هویت‌ها از سازمان‌های آشکارا سیاسی مرتبط با حکومت متمایز ولی با آن‌ها به‌هم پیچیده‌اند. زمانی ناامنی اجتماعی وجود دارد که همبدهایی از نوع، تحول یا احتمالی را به‌عنوان تهدیدی برای بقای خودشان به‌عنوان یک همبود تعریف کنند. طبق تعریف، امنیت اجتماعی ناظر بر گروه‌های هویتی بزرگ و بی‌نیاز از خود است، اینکه گروه‌ها در عمل چه هستند بسته به زمان و مکان تفاوت می‌کند. (بوزان؛ ویور؛ دووید، ۱۳۸۶: ۱۸۴-۱۸۳)

امنیت زیست‌محیطی^۲

وقوع حوادثی مانند طوفان، طاعون، سیل، زلزله، آسیب‌دیدگی لایه ازن، گرم شدن جو

1. Societal Security
2. Environmental Security



زمین و ... از جمله عواملی هستند که صبغه امنیتی پیدا کرده‌اند، مکتب کپنهاگ تهدیدات زیست‌محیطی (به‌استثنای موارد خیلی حاد مانند مسئله لایه ازن که زندگی انسان را مختل می‌سازد)، در شمار مسائل عادی و متداول بوده و به‌تنهایی فاقد بار امنیتی هستند. (نصری، ۱۳۸۱: ۴۴) در بیشتر مباحثات صورت گرفته در باب امنیت زیست‌محیطی می‌توان موضوع دیگری را تشخیص داد: نگرانی از بابت حفظ سطوح موجود تمدن. مطابق این دیدگاه موضوع نهایی امنیت زیست‌محیطی خطر از دست رفتن سطح موجود تمدن - بازگشت به انواع بربریت اجتماعی - درعین حال قادر بودن به جلوگیری از چنین چیزی است. منظور از سطوح تمدن، هر سطحی از تمدن است که بشر بدان دست‌یافته است اعم از تمدن نخبگان شمال، طبقه متوسط یا سرخپوستان آمازون. در همه موارد مسئله این است که آیا اکوسیستم‌هایی که برای حفظ (توسعه بیشتر) سطوح موجود نمودن اهمیت قاطع دارند، به لحاظ محیط‌زیست پایدارند یا نه. (بوزان؛ ویور؛ دووید، ۱۳۸۶: ۱۲۴) درواقع یکی از ویژگی‌های توسعه پایدار، در اولویت قراردادن حفظ محیط‌زیست و منابع اکولوژیک جهت بهره‌برداری مناسب از آن‌ها توسط نسل‌های آتی است. (مرادیان، ۱۳۹۴: ۳۲)

در یک کلام، امنیت زیست‌محیطی «به حفظ زیست‌سپهر محلی و کل کره زمین به‌عنوان اصلی‌ترین نظام پشتیبان کلیه دیگر فعالیت‌های بشری بازمی‌گردد». (بوزان؛ ویور؛ دووید، ۱۳۸۶: ۱۲۴) امنیت زیست‌محیطی ناظر است بر حفظ محیط محلی جهانی به‌عنوان سیستم پشتیبانی ضروری که تمامی حیات بشری بدان متکی است. (بوزان، ۱۳۷۸: ۳۴)

روش تحقیق

سؤالات تحقیق

مفهوم بحران امنیتی با تأکید بر آموزه‌های مکتب کپنهاگ چیست؟

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر ماهیت توصیفی تحلیلی به روش کتابخانه‌ای به بررسی مفهوم



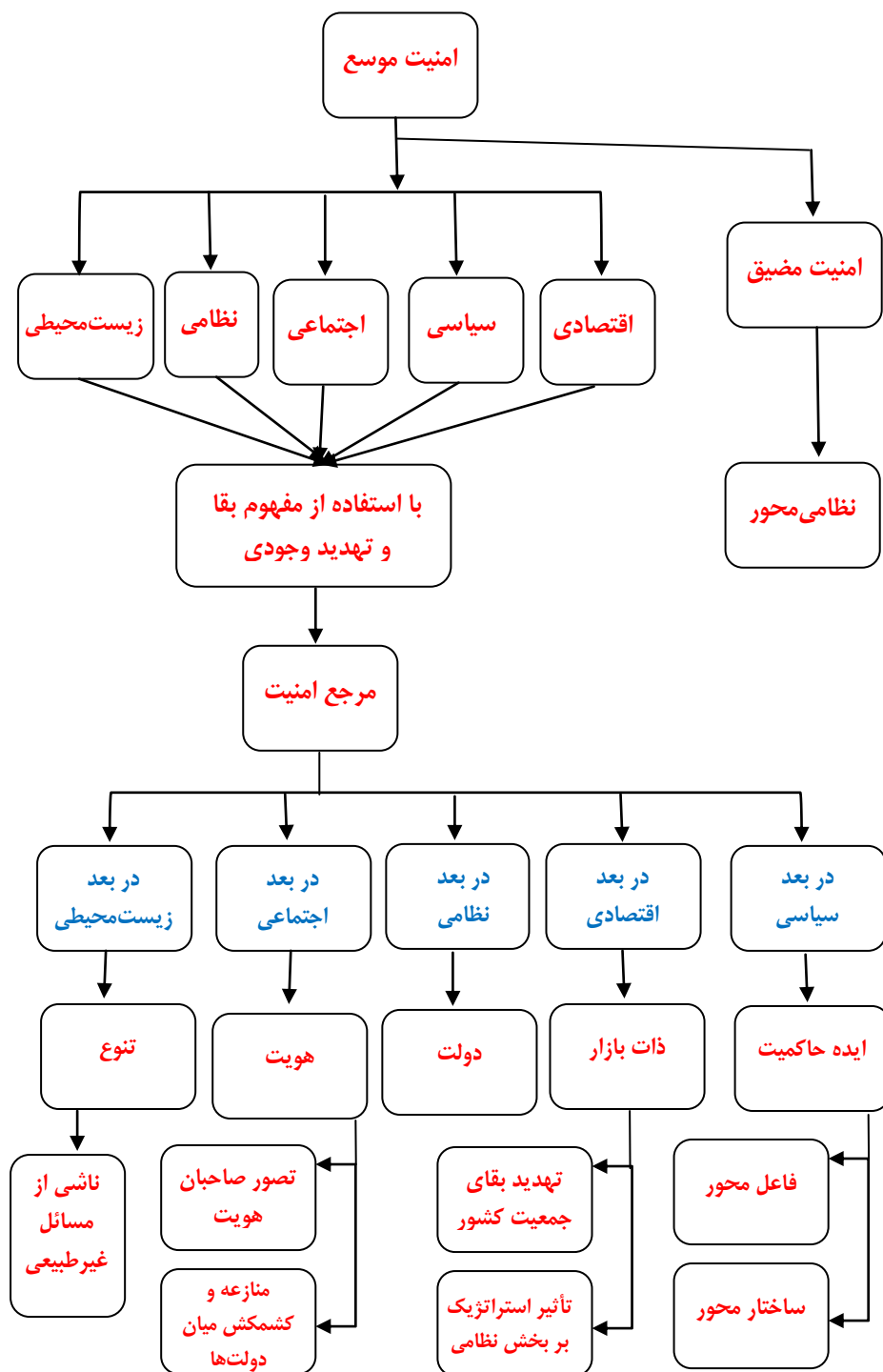
بحران امنیتی با تأکید بر آموزه‌های مکتب کپنهاک برای بیان تهدیدات وجودی در گستره امنیت، ابتدا امنیت اجتماعات بشری را به پنج بعد نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی تقسیم می‌نماید. سپس تهدیدات وجودی هر یک از پنج بعد را بیان می‌دارد.

تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های تحقیق

مرجع امنیت از دیدگاه مکتب کپنهاک

اگر بخواهیم در مقام پاسخ به سؤال امنیت «برای چه کسی» برآییم «مرجع امنیت» مطرح خواهد شد. (مرادیان، ۱۳۹۱: ۲۶) همان‌طور که ملاحظه شد مکتب کپنهاک دیدگاهی موسع به امنیت دارد، از همین رو برخلاف دیدگاه مضیق به امنیت که به امنیت نظامی تأکید دارد، بر سایر ابعاد امنیت یعنی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی نیز توجه می‌نماید. حال اگر سؤال فوق را برای هر یک از ابعاد امنیت بپرسید، شاهد بروز پنج مرجع مختلف برای پنج بعد موردنظر مکتب کپنهاک خواهیم بود. این مراجع از دل تعاریف و ادبیات مطرح‌شده در مورد هر یک از ابعاد امنیت به دست می‌آید که به شکل زیر قابل طرح است:





بحران

بحران از لحاظ لغوی به معنای آشفتگی (عمید، ۱۳۸۸: ۲۷۲) و تغییر حالت و از نظر امنیتی به معنی ستیزش و جنگ ادراکی است. به طور کلی بحران تعریف واحد و مشخصی ندارد. بحران، به طور مشخص پس از جنگ دوم جهانی در ادبیات علوم سیاسی جایگاه ویژه‌ای برای خود باز کرد و اندیشمندان علم سیاست و جامعه‌شناسی در تبیین شرایط سیاسی جامعه از جهات مختلف توسعه «فرهنگی، اقتصادی و سیاسی» به تشریح شرایط حاکم بر جامعه و علل بروز بحران پرداختند. (دبلیوپای، ۱۳۸۰: ۱۳)

اندیشمندان این حوزه با رویکردهایی متفاوت به تعریف بحران پرداخته‌اند که به برخی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌گردد:

✓ بحران بنا به اعتبار مفهوم کلمه، به مرحله پیچیده‌ای که یک کار و یک رویداد از آن عبور می‌کند و خارج شدن از آن مشکل است، اطلاق می‌شود (امیرکبیری، ۱۳۷۶: ۳۱).

✓ بحران‌ها موقعیت‌هایی هستند که مستلزم پاسخ‌دهی آنی و اختصاص منابع فوق‌العاده و پیش‌زمینه تلاقی زمینه‌هایی هستند که شرایط جدید و ناشناخته‌ای را پدید می‌آورند (کلاهیجان، ۱۳۸۳: ۲۸۹).

✓ بحران به معنای بروز خطر در مورد مسائل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است. (Crandal:2002:18)

✓ بحران شرایطی خارج از وضعیت عادی است که الگوهای مدیریتی متداول به هنگام اوج آن کارایی خود را از دست می‌دهند. مدیریت این وضعیت به دلیل محدودیت ناشی از فشار زمانی، کنترل. (Burnett:1998:476)

✓ آنچه «در اثر وقوع ناگهانی و غیرمنتظره حادثه و یا اتفاقی به وجود می‌آید که توجه فوری به منظور اخذ تصمیم فوری ضروری است» بحران نامیده می‌شود.

✓ «ایگور انسف»^۱ می‌گوید: سازمان را هنگامی باید با بحران روبرو دانست که در اثر تغییر و تحولات، بقاء و حیات آن به مخاطره افتد.

✓ «مینتز برگ»^۲ معتقد است بحران در اثر وقوع ناگهانی و غیرمنتظره حادثه و یا

1. Ansoff
2. Mintzber



اتفاقی به وجود می‌آید که توجه فوری به آن برای اخذ تصمیم فوری، ضروری است. بحران، وقوع رویدادی است که روال عادی کار و چرخش زندگی را در یک سازمان و یا محیط مختل ساخته و رسیدگی به آن در اولویت سایر اقدامات مسئولین قرار می‌گیرد. بحران را می‌توان وضعیتی دانست که از قبل حدس و انتظاری برای وقوع آن نبوده و در یک پروسه زمانی سریع، پاسخی فوری لازم دارد، زمان برای مقابله با آن بسیار کم بوده و می‌تواند ارزش‌های نظام را تهدید نماید. بحران حاکمیت موقعیت عدم اطمینان بر محیط داخلی و خارجی سازمان است و در سطح کلان، مجموعه عواملی که حکومت را در یکی از ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، نظامی دچار آشفتگی نموده و امنیت ملی کشور را دچار مخاطره سازد را بحران گویند. (همان: ۱۵۳-۱۵۱)

ویژگی‌ها و شاخص‌های بحران

در تدبیر بحران‌ها، نمی‌توان صرفاً به شناخت شاخص‌های عمومی و قابل تعمیم آنان امید بست، بلکه پایه پس نهاده و از رهگذر ورود به نهانکده هر بحران و کالبدشکافی دقیق آن به شاخص‌های منحصر به فردش دست یافت.

تاجیک در کتاب خود خصوصیات و شاخص‌های بحران را از نظر چند نفر از اندیشمندان این حوزه به شرح زیر بیان نموده است.

میلر و ایسکوا بر اساس مطالعات روان‌شناختی و جامعه‌شناختی شاخص‌ها و ویژگی‌های بحران را به شرح زیر اعلام نموده‌اند:

۱. یک وضعیت بحرانی، موقعیتی کوتاه‌مدت و حاد است تا برهه‌ای طولانی، اگرچه طول مدت آن همواره نامشخص است.

۲. بحران موجد رفتاری است که غالباً آسیب شناسانه است. نظیر احساس بی‌کفایتی و یا به دنبال مقصری واهی گشتن.

۳. بحران، اهداف طرف‌های درگیر در آن را با تهدید مواجه می‌سازد.

۴. بحران امری نسبی است، آنچه برای یک حزب یا یک شخص بحران به حساب



می‌آید، ممکن است برای طرف دیگر بحران نباشد.

۵. بحران موجد تنش (تنش فیزیکی و اضطراب) در ارگانسیم است.

رایسون^۱ بر اساس مطالعه موردی تصمیمات سیاسی شاخص‌ها و ویژگی‌های بحران ر به شرح زیر می‌داند:

۱. تعیین ریشه (داخلی یا خارجی) برای تصمیم‌گیرندگان، رویداد
۲. زمان تصمیم (کوتاه، میانه، بلند)، مقتضی برای پاسخ
۳. اهمیت نسبی (بالا یا پایین) ارزش‌های در معرض خطر برای مشارکت‌کنندگان.

کادسون^۲ نیز شاخص‌های بحران را بدین شرح بیان نموده است:

۱. تهدیدزایی (تحمیل تهدید) به ارزش‌ها و اهداف ملی
۲. بازنمایی یک تغییر دراماتیک، مخرب و فاسدکننده در جریان عادی امور بین‌المللی
۳. معمولاً شامل ستیزی‌های نظامی و یا امکان این ستیزش است.
۴. خطر و فرصت هر دو ذاتی یک بحران هستند
۵. دوران کوتاه آغاز و فرجام.

مک کارتی^۳، شاخص‌های یک موقعیت بحرانی را عبارت می‌داند از:

۱. به خطر افتادن اهداف اولویت‌دار واحد تصمیم‌گیری.
۲. زمان موجود برای پاسخ‌دهی پیش از انتقال تصمیم را محدود کرده و اعضای واحد تصمیم‌گیری را به تعجب و حیرت وامی‌دارد.
۳. منابع فوق‌العاده را می‌طلبد.
۴. پیش‌زمینه همگرایی رویدادهایی هستند که شرایط جدید و ناشناخته‌ای را می‌آفرینند. این امر، محیطی سرشار از بی‌اعتمادی را می‌سازد و این احساس را قوت می‌بخشد که دیگر کنترلی بر رویدادها و شرایط وجود ندارد.
۵. نیازمند تصمیم‌گیری تحت شرایط وخیم و در زمان محدود، با اتکای بر اطلاعات

1. Robinson

2. Godson

3. Mc Carthy





ناقص هستند.

۶. ماهیت و آثاری طولانی و استهلاکی دارند. (تاجیک، ۱۳۷۹: ۷۳-۷۲)
به‌طور کلی ویژگی‌ها و شاخص‌های بحران با توجه به مطالب پیش‌گفته را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد:

۱. مرحله‌ای پیچیده، دارای شرایط جدید و ناشناخته
۲. شرایط خارج از وضعیت عادی
۳. مستلزم پاسخ‌دهی آنی و اختصاصی
۴. بروز خطر در مسائل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی
۵. به خطر انداختن بقا و حیات سازمان
۶. شرایطی که امنیت ملی کشور را دچار مخاطره می‌نماید.

وضعیت‌های (سطوح) بحران

بر اساس مدل تحریک - واکنش، بحرانت رفتار تصمیم‌گیرندگان یعنی درک و احساس آنان از علائم محرکه و واکنششان در مقابل تحریک انجام‌شده، مربوط می‌شود. به عبارت دیگر، در این الگو بحران عبارت است از وضعیتی که:

- ✓ هدف‌های عالی و حیاتی واحد تصمیم‌گیرنده را تهدید می‌کند.
- ✓ زمان واکنش برای اتخاذ تصمیم محدود است.

عناصر و عوامل تصمیم‌گیرنده را با بروز ناگهانی خود غافلگیر می‌کند. این سه عامل مهم در تعریف و تشخیص بحران از دیدگاه روش تصمیم‌گیری نقش عمده‌ای دارند: تهدید،^۱ زمان،^۲ غافلگیری^۳. بر اساس این سه عامل، می‌توان هشت وضعیت کاملاً بحرانی،^۴ نوظهور،^۵ بطئی،^۶ ویژه (موردی)،^۱ انعکاسی،^۲ عمدی،^۳ عادی^۴ و اداری را تصور

-
1. Threat
 2. Time
 3. Surprising
 4. Crisis
 5. Innovation
 6. Interial





کرد که به شرح ذیل است: (غرایق زندگی، ۱۳۹۰: ۵۳-۵۲)

نوع وضعیت/سطح	میزان تهدید	میزان زمان	غافلگیری/پیش‌بینی شده
وضعیت کاملاً بحرانی	شدید	کوتاه	غافلگیری
نوظهور	شدید	بلند	غافلگیری
بطئی	ضعیف	بلند	غافلگیری
ویژه یا موردی	ضعیف	کوتاه	پیش‌بینی شده
انعکاسی	شدید	کوتاه	پیش‌بینی شده
عمدی	شدید	بلند	پیش‌بینی شده
عادی	ضعیف	بلند	پیش‌بینی شده
اداری	ضعیف کوتاه	کوتاه	پیش‌بینی شده

نتیجه‌گیری

اندیشمندان مکتب کپنهاگ ثبات امنیت را نه در عاملیت تنها بلکه در تعاملات ترکیبی بین سیاست‌گذاران ملی و بین‌المللی می‌دانند از نگاه آنان سرمشق امنیت برای همه ملت‌ها به صورت یکسانی وجود ندارد و هر منطقه سرنوشت خاص خود را دارد انهایی که آموزه‌ی یک منطقه را برای منطقه‌ای دیگر مشق می‌کنند سخت در اشتباهند. همچنین، در دستگاه معرفتی علمای مکتب کپنهاگ امنیت ملی مقوله‌ای است برآمده از اجتماع که فارغ از آفرینش‌های ذهنی هم نیست

سطح تحلیل موجه و مقدم در مکتب کپنهاگ گسترده‌ی منطقه‌ای است اندیشمندان این مکتب در راستای امنیت در خاورمیانه امنیت اروپا، امنیت جهان سوم، امنیت امریکا و... سخن می‌گویند. نهایت اینکه در جریان تکوین و تحکیم امنیت پایدار (توزیع منصفانه عایدات حفظ حقوق نسل‌های آتی پاسداری از محیط‌زیست) موردنظر مکتب کپنهاگ دستگاه دولت همچنان فعال و بازبگر باقی می‌ماند بخش مهمی از دستور کارهای امنیتی به حوزه سیاست محول می‌شود و در نتیجه از نظامیان و نیروهای

1. Circumstantial
2. Deliberative
3. Reutilized
4. Tension





سخت به نفع قدرت فرایند اعتبار زدایی می‌شود چون ماهیت منبع و هدف تهدید دگرگون شده است ارزیابی کلی نگارنده از مجموعه تعالیم روش و دستاوردهای مکتب کپنهاگ این است که مکتب مذکور ضمن توصیه به غیرامنیتی کردن مسائل و فعال نگه داشتن دولت ناخواسته، در شمار اندیشمندان سنتی قرار می‌گیرد چون فوری‌ترین تهدید اصلی‌ترین شیوه مقابله را همان می‌داند که واقع‌گرایان مدنظر دارند این مکتب درزمینه‌ی تفکیک حوزه‌ها (امنیت / ناامنیت، دولت / جامعه، ابعاد سخت و نرم‌افزاری امنیت قدرت هویت ملی در قبال امنیت ملی جهان‌شمولی یا منطقه‌شمولی) دچار تعارفاتی جدی است که نباید از نظر دور بماند دستاورد مثبت این مکتب برای دوران پس از جنگ سرد بروز این اعتقاد است که دولت‌ها به‌عنوان مهم‌ترین مؤثرترین بازیگر امنیت‌سازی هم تهدید می‌کنند و هم تهدید می‌شوند



منابع و مأخذ

منابع فارسی

- اسنادیر، کریگ ای (۱۳۸۴)، «امنیت و استراتژی معاصر»، تهران: دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه.
- امیرکبیری، علیرضا (۱۳۷۶)، «مدیریت بحران»، نشریه تدبیر، شماره ۷۸.
- بوزان، باری (۱۳۷۸)، «مردم، دولت‌ها و هراس»، ترجمه و انتشار: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بوزان، باری؛ الی، ویور؛ دو ویلد، پاپ (۱۳۸۶)، «چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت»، ترجمه علیرضا طیب، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۹)، «مدیریت بحران، نقدی بر شیوه‌های تحلیل و تدبیر بحران در ایران»، تهران: فرهنگ گفتمان.
- دبلیو پای، لوسین و دیگران (۱۳۸۰)، «بحران و توالی‌ها در توسعه سیاسی»، مترجم غلامرضا خواجه سروی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- عبدالله خانی، علی (۱۳۸۳)، «نظریه‌های امنیت»، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر ایران.
- عمید، حسن (۱۳۸۸)، «فرهنگ عمید»، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- غرایق زندی، داود (۱۳۹۰)، «درآمد بر سیاست‌گذاری امنیت ملی»، چاپ دوم، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- کلاهچیان، محمود (۱۳۸۳)، «نقش اطلاعات در مدیریت بحران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال هفتم.
- مرادیان، محسن (۱۳۹۱)، «مبانی نظری امنیت»، چاپ دوم، تهران: دانشکده علوم و فنون فارابی.
- مرادیان، محسن (۱۳۹۴)، «درآمدی بر امنیت زیست‌محیطی»، تهران: دانشکده علوم و فنون فارابی.
- نصری، قدیر (۱۳۹۰)، «درآمدی نظری بر امنیت جامعه‌ای (مفاهیم، مؤلفه‌ها و نظریه‌ها)»، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- نصری، قدیر (زمستان ۱۳۸۱)، «مکتب کپنهاگ: مبانی نظری و موازین عملی»، فصلنامه مطالعات دفاعی و امنیتی، شماره ۳۳، صص ۵۸-۳۳.

منابع لاتین

- Saleh, Alam (Winter 2010), "Broadening the Concept of Security: Identity and Societal Security", *Geopolitics Quarterly*, Volume: 6, No 4, p.p 228-241.
- Panic, Branka (APRIL-JUNE 2009), "Societal security – security and identity", *Journal of the Belgrade School of Security Studies*, Year 4 No. 13, p.p 29-39.
- Waever, Ole. (2008) 'The Changing Agenda of Societal Security.' In *Globalization*



and Environmental Challenges, Reconceptualizing Security in the 21st Century, Berlin: Springer Berlin Heidelberg.

- Crandall, William Rick. (2002) Crisis Planning in The Nonprofit Sector Should occur?', London: Ratligh.
- Burnett, J.J. (1998), "A Strategic Approach to Mana?", London: Ratligh.

